

پایگان ارزشی

نوجوانان دختر و پسر

عبدالامیر گلک

مقدمه

هیچ قوم یا جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که به دور از ارزشها و قضاوت‌های ارزشی زندگی داشته باشند، زیرا هیچ قومی بدون ارزش گذاری نمی‌تواند زندگی کند.

صیانت و پاسداری آدیان از خویشتن نیز در گرو ارزش‌گذاری است. زندگی و ادامه جریان آن بستگی به قضاوت و داوری راجع به پدیده‌ها، امور، اشیا و اشخاص است. این ارزش‌گذاری مستمر و دائمی که انسان را گزیری از آن نبوده و نمی‌باشد او را بر آن داشته که پیوسته به تعیین و تبیین منزلت و پایگاه امور در گستره‌ای از خوب تا بد و از خیر تا شر پردازد افراد هر جامعه، برای رفتار خوب و بد و مطلوب و نامطلوب و ارزشمندی امور، تصورات ویژه‌ای دارند. برخی امور را محترم و مقدس و مطلوب تلقی می‌کنند و برخی دیگر را نامطلوب می‌شمارند. اموری که «مطلوب» و «ارزنده» باشند و یا بیشتر افراد یک اجتماع از آنها چنین برداشتی داشته باشند «ارزش» نامیده می‌شوند. مثلاً در جامعه اسلامی ما «تعهد به مکتب»، «ایثار»، «فداکاری»، «شهادت طلبی»، «تقوا»، «پاسداری از انقلاب»، «کار و کوشش»، «خدمت به جامعه»، «اخوت اسلامی»، «احترام به شریعت، و قانون مبتنی بر شریعت»، «کار تولیدی»، «کسب

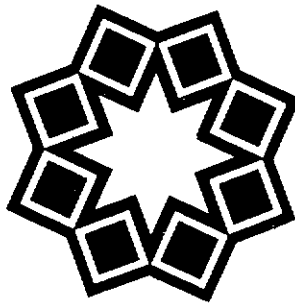
دانش و مهارتها» مطلوبند و ارزشمند تلقی می‌شوند. به این ترتیب موارد فوق «ارزشهای اجتماعی» جامعه ما را تشکیل می‌دهند و بالعکس اموری که در جامعه، نامطلوب تلقی می‌شوند «ضد ارزش» نامیده می‌شوند. در جامعه کنونی ما، «شرک»، «فسق»، «عدم تعهد»، «بی تفاوتی»، «عدم احساس مسئولیت»، «غربزدگی»، «مصرف زندگی» و «خودمداری»، به صورت «ضد ارزش» قلمداد می‌شوند. با توجه به آنچه گفته شد، ارزشهای اجتماعی را می‌توان چنین تعریف کرد:

«تصورات کلی رفتار اجتماعی که جامعه طالب آن است و به آن ارجح می‌نهد». از این تعریف روشن می‌شود که اولاً ارزشها به «الگوهای آرمانی» و موضع گیریهای درونی افراد که احساس رضایت و علاقه را به دنبال دارد، برمی‌گردد ثانیاً تنها مطلوبیایی را که در زندگی تأثیر دارند «ارزش اجتماعی» می‌نامند.

موجودیت هر جامعه بستگی به میزان نظام و همبستگی آن دارد. گروه انسانی برای آنکه بتواند سازمان خود را حفظ کند ناگزیر است که در بین افسراد و اعضای خود هم‌نویسی گروهی ایجاد کند. برای ایجاد این هم‌نویسی، جامعه آرمانها، مطلوبها، معیارها، الگوها و طرز رفتار

ویژه‌ای را بر می‌گزیند که به آنها، ارزشها و هنجارها، می‌گویند و هر جامعه از اعضای خود انتظار دارد مطابق آنها رفتار نمایند. ارزش و هنجار جزء فرهنگ معنوی یک جامعه محسوب می‌شوند و در ایجاد هم‌نویسی گروهی نقش عمده را ایفا می‌نمایند. (نقوی، ۱۳۷۱)

انسان هر آنچه را که در آرزوهایش هست نیک می‌شمارد و آنچه را همواره در اختیار دارد، ولی از آن بهره چندانی نمی‌برد. چندان خوشایند نمی‌انگارد، آنچه که بدان نیاز دارد برایش به صورت ارزش درمی‌آید و هر ارزش برای وی به صورت یک نیاز. از آنجایی که ابعاد وجودی و به تبع آن نیازها و فعالیت‌های انسانی گونه‌گون می‌باشند ارزشهای متفاوتی نیز بوجود می‌آیند. این ارزشها به نوبه خود در هر یک از جنبه‌های زندگی انسان چند گونه می‌باشند و به تناسب شرایط زمانی و مکانی اهمیت خاصی پیدا می‌کنند. به این ترتیب هر آنچه در جهان هستی وجود دارد و یا ممکن است وجود داشته باشد بار ارزشی پیدا می‌کند و انسان‌ها بی‌آنکه خود بخواهند و یا بدانند همه چیز را بر روی طیفی از زشت تا زیبا، از خوب تا بد ارزیابی می‌کنند و بدین سان سلسله مراتبی از ارزشها را بوجود می‌آورند. (گورویچ - ۱۳۵۴)



قرن حاضر را «دوران تزلزل ارزشها» نامیده‌اند، در جوامع کنونی، مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌اند. مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی برای انسان‌ها مورد تعبیر و تفسیرهای مختلف قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده‌اند. عیناً همانند تزلزل ارزشها در جامعه در دوره نوجوانی، ارزشها متحول می‌شوند و مفاهیم ارزشی مورد تردید و پرسش قرار می‌گیرند.

به نظر موریس دبس (کاردان به نقل از دبس - ۱۳۶۲) نظام ارزشها در مجاورت دنیای علم و اطلاع در جوانان پایه‌گذاری می‌شود و به تنظیم رفتار و مشخص نمودن عقاید آنان کمک می‌کند.

اسپرانگر معتقد است که در دوره تحول نوجوانی، ارزشهای اساسی زندگی به ترتیب اهمیت، به صورت قطعی‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد و ارزشهای حاکم بر فرد، تعیین کننده نوع شخصیت او به شمار می‌روند.

بررسی و مطالعه ارزشها در پهنه دوره نوجوانی با توجه به تغییرات بسیار عمیق زیستی - روانی و اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گزینش و انتخاب این موضوع جهت بررسی، به همین دلیل و تأثیری که این مسئله در شکل‌دهی

شخصیت و تنظیم رفتار دارد، برگشت می‌نماید. چرا که با ارائه نیمی‌رخ روشن از پایگان ارزشی نوجوانان که در بردارنده ویژگی‌های این دوره به همراه مولفه‌های اساسی دیگر است که ما را در امر هدایتگری برنامه‌های تعلیمی و تربیتی توانمند خواهد ساخت.

■ مطالعه منابع مربوط به موضوع مورد تحقیق

«مردان به ارزش‌های رفتار مستقل همچون رهبری بیشتر اهمیت می‌دهند، در صورتی که در جنس دختران اطاعت پذیری و تسلیم شدن و همدردی است که نمرات بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند.» (ساتور و ساتورا، ۱۹۷۳)

«مردان به ارزش‌های رفتار مستقل همچون رهبری بیشتر اهمیت می‌دهند، در صورتی که در جنس دختران اطاعت پذیری و تسلیم شدن و همدردی است که نمرات بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند.»

در تحقیقی تحت عنوان «ارزشهای اخلاقی تعدادی از نوجوانان استرالیایی» نتایج زیر حاصل گردید:

۱ - دختران بیشتر از پسران بر یکپارچگی شخصیت و ارزشهای اجتماعی تأکید می‌کردند و ازدواج را به عنوان یک هدف می‌نگریستند و در انتخاب از جنس مخالف زیاد دقت نداشتند.

۲ - پسران بر آزادی بیان و آزادی رقابت به عنوان ارزشهای مسلط یاد کرده بودند. (موسگراد، ۱۹۸۴).

«مطالعه دیگری توسط گوسیت در مورد تفاوت ارزش‌های دانش‌آموزان کلاس‌های ششم و هشتم انجام پذیرفته است وی از سیاهه افتراقی پرنیس که شامل ارزشهای اخلاقی، کار، موفقیت، آینده نگری، اجتماعی بودن، تطابق و حال‌گرا بودن می‌شد، استفاده کرد این مطالعه نشان داد بستدریج که سطح تحصیلات دانش‌آموزان بالاتر می‌رود. بعضی از ارزشهای آنان تغییر می‌کند در مقام مقایسه خودگراتر شده و کمتر تطابق و سازش حاصل می‌کنند، (خزائی، ۱۳۷۱)

«ریویس که سوالات کودکان از پدران خود را مطالعه کرده، ملاحظه نموده است سوالاتی که دختران از والدین خود می‌پرسند بیشتر به روابط اجتماعی و سوالات پسران به علیت بدنی مربوط می‌شود. برتری دختران به پسران از لحاظ شناخت مسائل مربوط به روابط خانوادگی

و مناسبات اجتماعی امری غیر قابل تردید بوده است: (سروری به نقل از پیره، ۱۳۷۰) در پژوهشی تحت عنوان «تضاد ارزشهای اخلاقی نوجوانان و والدین» نتایج ذیل حاصل شده است:

۱ - پسران بیشتر از دختران در مورد اخلاقی با والدین خود اختلاف دارند و پسرانی که در سنین ۱۹ - ۱۶ سالگی و بیشتر بوده‌اند، تضاد آنها از پسرانی که در گروه سنی ۱۵ - ۱۲ قرار داشته‌اند، بیشتر بوده است.

۲ - دخترانی که در گروه سنی ۱۹ - ۱۶ قرار دارند تضاد اخلاقی در آنها بیشتر دیده می‌شود، در صورتی که دخترانی که در گروه سنی ۱۵ - ۱۲ قرار دارند این تضاد کمتر در آن دیده می‌شود. البته در مقام مقایسه تضاد اخلاقی پسران و دختران، این تضاد در نزد پسران بیشتر دیده می‌شود تا در نزد دختران. (گیلک، ۱۳۷۱)

«ارزش‌های مورد پذیرش نوجوانان پسر به ترتیب شامل ارزشهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، نظری و زیبایی و برای نوجوانان دختر، ارزش‌های دینی، اجتماعی، زیبایی، سیاسی، اقتصادی و نظری است. (شمسیان، ۱۳۷۱)

«بین ارزشهای نوجوانان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری در زمینه ارزشهای دینی، سیاسی، اجتماعی و هنری وجود دارد. برای دختران به ترتیب ارزش‌های دینی، هنری، نظری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و برای پسران ارزش‌های اجتماعی، دینی، سیاسی، نظری، هنری و اقتصادی دارای اولویت بسوده است.» (همايونفرد، ۱۳۷۳)

«ارزش «معتقد و با خدا بودن» به عنوان اولین اولویت انتخاب در میان گروههای سه‌گانه سنی دختران ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ساله بوده است. تفاهم با پدر و مادر گروههای نوجوان ۱۳ و ۱۴ ساله اولویت دوم و در گروه ۱۲ ساله‌ها ارزش راستگو بودن به همراه تفاهم با پدر و مادر در اولویت بعدی است. «محمد اسماعیل - ۱۳۷۱»، ارزش «معتقد و با خدا بودن» در هر دو گروه

والدین و نوجوانان پسر دارای اولویت و اهمیت نخستین بوده است. در گروه والدین ارزش «با تربیت و منظم بودن» رتبه دوم و در گروه نوجوانان ارزش «با پدر و مادر تفاهم داشته باشد» جایگاه بعدی را به خود اختصاص داده است.» (گیلک، ۱۳۷۱)

«آلپورت و ورنون در سال ۱۹۳۱ پس از بررسی و تحقیق در ارزشها توسط پرسشنامه سنجش ارزشها به این نتیجه رسیدند که: علایق زیباشناسی، اجتماعی و دینی زنها بیشتر از مردها است. مردها بیشتر به جنبه‌های سیاسی و تنوری علاقه دارند و زنها بیشتر به مسایل اخلاقی تمایل نشان می‌دهند. زنها با حرارت به بی‌عدالتی اعتراض می‌کنند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعی و ضوابط اخلاقی تلقین پذیرند» (گسنگی، ۱۳۷۰) «در طول کودکی و نوجوانی، دختران به صورت یک گروه، بیش از پسران خوشبخت هستند از جمله دلیل‌های بسیار مهم این است که دختران از روابط اجتماعی بیشتری رضایت‌مندی را احساس می‌کنند در حالی‌که پسران از پیشرفت و موفقیت، بیشتر خوشحال می‌شوند و رضایت خاطر پیدا می‌کنند.» (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۱)

پژوهشی توسط آقای خدایاری فرد در سال ۱۳۶۰ که در مورد ارزشهای دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان در تهران انجام شد در بردارنده نتایج زیر بوده است: ارزش مذهبی در مناطق شرق و غرب تهران به طور معنی‌داری بالاتر از مناطق شمال و جنوب است.

ارزش سیاسی در منطقه جنوب پایین‌تر از مناطق شمال و غرب تهران است.

ارزش اجتماعی در مناطق غرب و شمال بالاتر از مناطق شرق و جنوب می‌باشد.

ارزش اقتصادی در منطقه شرق بالاتر از مناطق جنوب، شمال و غرب است.

ارزش نظری در مناطق غرب و جنوب بالاتر از مناطق شرق و شمال می‌باشد.

در ارزش زیبایی تفاوت بین میانگین‌های مناطق چهارگانه معنادار نبوده

است. (خدایاری فرد به نقل از اصفهانی، ۱۳۷۱)

تحقیق آقای احمد احمدی که در سال ۱۳۵۴ بر روی دانشجویان دانشکده دانشگاه شیراز و با تست ارزشهای آلپورت مورد اجرا قرار گرفت، میانگین ارزش نظری ۴۶/۹، اجتماعی ۴۳/۹، سیاسی ۴۱/۹، زیبایی ۳۷/۳، مذهبی ۳۵/۱ و اقتصادی ۳۴/۵ به دست آمده است (اصفهانی، ۱۳۷۱)

تحقیق دیگری توسط آقای دکتر براهنی در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تبریز بر روی دانشجویان سال سوم روانشناسی در مقایسه با دانشجویان انگلیسی زبان انجام گرفت که در آن میانگین ارزشهای نظری و اجتماعی دانشجویان روان‌شناسی بیشتر از دانشجویان انگلیسی زبان و در سایر مقوله‌های ارزشی کمتر از آنان بوده است. (اصفهانی، ۱۳۷۱)

■ بیان اهداف:

۱ - آگاهی از سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان در شرایط فعلی و آشنایی با نیازها، خواسته‌ها و آرمانهای آنان.

۲ - آگاهی از نقش عواملی چون جنس و سن در شکل دهی و نظام بخشی به سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان.

■ سوالات پژوهش:

۱ - ارزشهای مورد پذیرش نوجوانان دختر و پسر دارای چه سلسله مراتبی است؟

۲ - آیا بین پایه‌های تحصیلی و سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر ارتباطی وجود دارد؟

۳ - آیا بین سن و سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر ارتباطی وجود دارد؟

۴ - آیا بین جنس و سلسله مراتب ارزشهای نوجوانان دختر و پسر ارتباطی وجود دارد؟

روش اجرای تحقیق

الف - آزمودنی‌ها:

دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی تحصیلی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۳ - ۷۲ که ۶۰/۵ درصد از آنها دانش‌آموز دختر و ۳۹/۵ درصد دانش‌آموز پسر بوده‌اند.

ب - طرح تحقیق:

توصیف عینی و بدون دستکاری متغیرها مورد نظر این پژوهش بوده است. به عبارت مطالعه توصیفی است و چون دستیابی به پایگان ارزشی نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن زمینه ساز تدارک برنامه‌های تربیتی - تعلیمی خواهد گشت آن را زمینه یاب می‌نامیم.

ج - ابزار اندازه‌گیری:

در بررسی حاضر جهت دستیابی به داده‌هایی که سؤالات پژوهش به واسطه آنها پاسخ داده شود از پرسشنامه‌ای محقق ساخته، استفاده شده است. در این پرسشنامه با تعیین و تحدید متغیرهای پایه تحصیلی، سن و جنس، مقدمه‌ای اجمالی ارائه گردیده است که پاسخ دهندگان پس از مطالعه و راهنمایی پرسشگران ارزشها و صفات مورد علاقه خود را به ترتیب اهمیت و اولویت در پنج رتبه بیان نموده‌اند.

د - روش جمع‌آوری اطلاعات:

پس از تعیین مدارس و آزمودنی‌های انتخابی با هماهنگی‌های بعمل آمده با

مسئولین آموزشگاه، دانش‌آموزان را در محلی که برای اجرای پرسشنامه پیش‌بینی گردیده بود، گرد آوردیم. در ابتدا توسط پرسشگران، اهداف بررسی و آنچه پاسخ دهندگان می‌بایستی انجام دهند توضیح داده شد و بعد از آن دانش‌آموزان را به ترتیب خاصی که تسهیل کننده امر اجرای پرسشنامه باشد، جایگزین نمودند، سپس پرسشنامه‌ها توزیع و از دانش‌آموزان تقاضا گردید که در نهایت آراش و راحتی پاسخهای خود را ارائه نمایند. پس از گذشت پانزده دقیقه پرسشنامه‌ها جمع‌آوری گردید. (این زمان بر اساس مطالعات مقدماتی بدست آمد)

نتایج:

جدول شماره ۱: رتبه‌های ارزشی حاصل برای نوجوانان پسر به تفکیک پایه‌های تحصیلی

پسر	جنس	رتبه‌های ارزشی در پایه‌ها		صفات ارزشی
		اول	دوم	
۳	۲	۲	۲	تحصیلی - آموزشی
۵	۶	۶	۶	اجتماعی - ارتباطی
۴	۴	۷	۴	اجتماعی - ارتباطی
۱	۱	۳	۱	میشی
۲	۳	۱	۳	دینی - مذهبی
-	-	-	-	دینی - مذهبی
۵	۷	۵	۷	میشی
۶	۵	۴	۵	میشی
۸	۹	۸	۹	اجتماعی - ارتباطی
-	۱۰	-	-	میشی
۹	۸	۱۰	۸	میشی
۸	۱۱	-	-	بدنی
۷	۹	-	-	میشی
۸	۹	۱۰	۹	اجتماعی - ارتباطی
۷	۱۰	۹	۱۰	مادی - اقتصادی
۹	-	۹	۹	میشی
۸	۹	۱۰	۹	مادی - اقتصادی
-	-	-	-	اجتماعی - ارتباطی

جدول شماره ۲: رتبه‌های ارزشی حاصل برای نوجوانان دختر به تکنیک پایه‌های تحصیلی

دختر			جنس	
سوم	دوم	اول	رتبه‌های ارزشی در پایه‌ها	
			مقوله‌های ارزشی	صفات ارزشی
۴	۳	۱	تحصیلی - آموزشی	درس خوان بودن
۵	۶	۷	اجتماعی - ارتباطی	احترام به والدین و دیگران
۳	۴	۴	اجتماعی - ارتباطی	با تربیت و مؤدب بودن
۲	۱	۳	مَنشی	اخلاق و رفتار نیکو
۱	۲	۲	دینی - مذهبی	مؤمن و نمازخوان بودن
۷	۷	۵	دینی - مذهبی	محبوب بودن
۶	۸	۸	مَنشی	نظم و انضباط
۷	۵	۶	مَنشی	راستگویی - امانتداری - رازداری
۱۲	۱۵	۱۲	اجتماعی - ارتباطی	حرف شنوی از بزرگترها
۱۴	-	-	مَنشی	کمک به مستمندان
-	۱۴	۱۱	مَنشی	احساس مسئولیت
۸	۱۳	۱۳	بدنی	ورزشکار و فعال بودن
۹	۹	۱۰	مَنشی	داشتن اعتماد به نفس
۱۰	۱۳	۱۴	اجتماعی - ارتباطی	رفتار اجتماعی مناسب داشتن
۱۱	۱۰	۱۴	مادی - اقتصادی	داشتن موقعیت اجتماعی
۱۳	۱۱	۹	مَنشی	رعایت عدالت و انصاف
۱۲	۱۲	۱۳	مادی - اقتصادی	رفاه در زندگی
۱۲	۱۴	۱۲	اجتماعی - ارتباطی	اهمیت دادن به دختران

از لحاظ روان‌شناسی ژنتیک (رشد)، در تحول روانی فرد آدمی دوره مهمی وجود دارد که بین دوران کودکی و دوران بزرگسالی قرار می‌گیرد و به دوره نوجوانی موسوم است. پس نوجوانی معرف مرحله تغییر عمیقی است که کودک را از بزرگسال جدا می‌سازد. این مرحله واقعاً به منزله دگرگون شدن است. چه در چنین دوره‌ای، نوجوان دائماً در حال تغییر است و حتی خود وی با مشکل بزرگ وضع و موقع خویش روبرو است. اگر نوجوانی در وهله اول دگرگون شدن و تغییر یافتن است ولی در عین حال دوره‌ای است که فرد آدمی در مقابل مسائل زندگی به صورتی که در زندگی روزمره در اجتماع بزرگسالان این مسائل مطرح می‌شود وضع مشخصی به

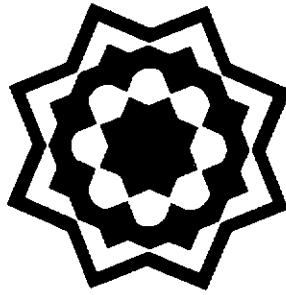
■ **بحث و نتیجه گیری**
با آنکه فرد در پایان دوره کودکی با محیط خود سازش یافته با این همه به نظر می‌رسد هنوز فردی است که به مرحله‌نهایی تحول و گسترش خود نرسیده است. پایان دوره کودکی، آغاز دوره بزرگی است که هر انسانی در جریان یک تحول طبیعی با عبور از آن به احراز تعادل نهایی نائل می‌آید.

تسوانایی‌های شناختی فزاینده نوجوانان، بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزشهای اخلاقی می‌کند و راههای پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند.

نتایج آزمون آماری برای تعیین تفاوت بین گروههای دختر و پسر در پایه‌های اول، دوم، سوم تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

■ نتایج بطور اجمال :

- ۱ - بین سن (پایه‌های تحصیلی) و سلسله مراتب ارزش‌ها رابطه وجود دارد
- ۲ - اولین ارزش انتخاب در گروه دختران به ترتیب پایه‌های اول، دوم و سوم ارزش‌های تحصیلی، آموزشی، مَنشی و دینی - مذهبی و برای گروه پسران شامل ارزش‌های دینی - مذهبی و مَنشی می‌باشد.
- ۳ - بین جنس و سلسله مراتب ارزش‌ها رابطه وجود دارد (بین سلسله مراتب ارزش‌های دختران و پسران تفاوت وجود دارد).



خود می‌گیرد. پس پدیدهٔ اساسی نوجوانی تهیه شخصیت است و این عمل تهیه، می‌تواند به شکل‌های گوناگون جلوه‌گر شود.

در خلال این تحوّل، نوجوان آرام آرام نسبت به قدرت فکر هشیار می‌شود و بسزودی در کمند ارزشهای فردی خود درمی‌غلند.

اولین ارزش انتخاب در گروه دختران به ترتیب پایه‌های اول، دوم و سوم ارزش‌های تحصیلی، آموزشی، مَنشی و دینی - مذهبی و برای گروه پسران شامل ارزش‌های دینی - مذهبی و مَنشی می‌باشد.

در هیچ دوره‌ای به اندازه دوره نوجوانی ارزشها و معیارهای اخلاقی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های شناختی فزاینده نوجوانان بیشتر آنان را متوجه مسائل و ارزشهای اخلاقی می‌کند و راههای پیچیده‌تری را برای کنار آمدن با آن می‌یابند. در عین حال آنچه جامعه از نوجوانان می‌خواهد به سرعت در حال تغییر است و همین مستلزم ارزیابی مجدد و مداوم ارزشها و اعتقادات اخلاقی است. اگر قرار است افراد بتوانند از خود استنباط با ثباتی داشته باشند باید به بعضی از

ارزشهای اساسی اعتقاد داشته باشند، هر چند که ممکن است ناچار باشند این ارزشها را به طرق جدیدی به کار بندند تا با اوضاع و احوال در حال تغییر متناسب باشد.

از نتایج به دست آمده در این بررسی نقش و تأثیر متغیر سن در تعیین و نیز ترتیب پایگان ارزشی نوجوانان دختر و پسر می‌باشد. نتایج حکایت از آن دارند که با بالا رفتن سن، میزان تفاوت‌ها نیز افزایش می‌یابد. این تغییر و تفاوت در بین گروه‌های دختر و پسر به تفکیک بوده است.

از دیدگاه بسیاری از روان‌شناسان (پیاژه، اریکسون، گزل، الکانیدو...) دوره نوجوانی هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی با دوره‌های پیشین تحولی فرد متفاوت است. به عنوان مثال از دیدگاه ژان پیاژه با افزایش ظرفیت‌های شناختی نه تنها نحوه اندیشیدن، تعبیر و تفسیر وقایع گسترده‌تر می‌شود بلکه همراه با آن در نوجوان تمایل به فلسفه‌بانی و بازیابی ارزشهایی که هم تا بید دیگران را به دنبال دارد و هم به خود وی اعتماد به نفس می‌بخشد، افزایش می‌یابد.

نوجوان خواهان خودپییروی و خودمختاری است برای خود مقیاسی از ارزشها را بنا می‌کند، احساس تعلق به یک گروه اجتماعی در وی به وجود می‌آید، می‌خواهد آزادی خود را بنمایاند و پیش از

آنکه خود را با واقعیت سازش دهد، نوجوان خود را برابر بزرگسال می‌داند و به این می‌اندیشد که در جامعه بزرگسالان وارد شود اما با خود «نقشه زندگی» و «طرح‌های تغییر و اصلاح جامعه» را همراه داشته باشد و در آن بکار بندد.

محیط می‌تواند سازش نیافتگی طبیعی آغاز دوران نوجوانی را طولانی‌تر سازد و برای نوجوانان وضع و موقعیت تردید در انتخاب ارزش‌هایی را فراهم آورد که نتوانسته‌اند منازعات درونی روانی و اجتماعی وی را در آستانه ورود به اجتماع حل کنند.

بر حسب آنکه نوجوان تابع محیطی باشد که هدف غایی زندگی در آن اضمحلال وجود و یا تحمل رنج باشد و یا تابع محیطی که به عکس، هدف اصلی، اصلاح محیط اجتماعی باشد و یا بالاخره در محیطی قرار گیرد که هدف زندگی، تابع مفهومی باشد که حاصل تلانی چندین مفهوم متفاوت است رفتارهای متفاوتی از وی بروز خواهد کرد زیرا محیط می‌تواند سازش نیافتگی طبیعی آغاز دوران نوجوانی را طولانی‌تر سازد و برای نوجوانان وضع و موقعیت تردید در انتخاب

ارزش‌هایی را فراهم آورد که نتوانسته‌اند منازعات درونی روانی و اجتماعی وی را در آستانه ورود به اجتماع حل کنند. ماحصل مطالعه حاضر، از زاویه دیگری نیز قابل تأمل است و آن مسأله هویت یابی و ابهامات مربوط به آن در این دوره می‌باشد.

یکی از تکالیف عمده نوجوانان در جامعه، یافتن پاسخی عملی به این سؤال است که «من کیستم؟»

نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت خود در آنان قوی است خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند. کلمه فرد که معادل کلمه شخص است، نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران از آنها جداست. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز ارتباط نزدیکی با آن نیاز همگانی به درک خود دارد. نوجوان یا بزرگسال برای اینکه احساس هویت داشته باشد باید در طول زمان در خود تداومی ببیند. به قول اریکسون، نوجوان برای رسیدن به یکپارچی باید احساس کند که آنچه بنا به قوانین موجود در آینده خواهد داشت تداوم پیشرفته آن چیزی است که در سالهای طفولیت بوده است. سرانجام اینکه، درک هویت خود مستلزم، «تقابلی روانی اجتماعی» است به عبارت دیگر نوجوان باید «بین آن تصویری که از خودش دارد و آن تصویری که از استنباط و انتظار دیگران از خودش دارد» هماهنگی ایجاد کند.

عمده‌ترین تضاد در دوران نوجوانی تضاد بین هویت یابی در برابر سردرگمی نقش است بسیاری از عناصر هویت دوران کودکی در نوجوان تثبیت می‌شود و در عین حال هویتی شخصی و شفلی کسب می‌کند. عدم توانایی در حل این تضاد ممکن است منجر به سردرگمی نقش یا هویت شود.

از سوی دیگر پاره‌ای از ارزشهای نوجوان زهی است جهت خلاصی و یا

کاهش فشارهای روانی و اضطرابهای ناشی از ابهام هویت، از این رو و در برخی موارد ملاحظه می‌شود که نوجوان بر روی ارزشهای مطلق و بنیادی تأکید می‌ورزد تا ارزش‌هایی که نسبی بوده و اساس قوی و مستحکم به یک اندازه در بین افراد ندارد.

عمده‌ترین تضاد در دوران نوجوانی تضاد بین هویت یابی در برابر سردرگمی نقش است بسیاری از عناصر هویت دوران کودکی در نوجوان تثبیت می‌شود و در عین حال هویتی شخصی و شفلی کسب می‌کند.

همین که نوجوان به رشد اخلاقی و شناختی پیشرفته تری می‌رسد در مورد عقاید اجتماعی و سیاسی والدین و سایر بزرگسالان تردید می‌کند. ارزشهای شخصی و عقاید آنان کمتر مطلق و بیشتر نسبی می‌شود. عقاید سیاسی‌شان نیز بیشتر جنبه انتزاعی پیدا می‌کند و کمتر مستبدانه است. ارزشهای نوجوان همیشه نتیجه تصمیمات عاقلانه‌ای نیست که بطور منطقی اتخاذ کرده‌اند. ارزشها را غالباً به دلایلی که با تضادها و انگیزه‌های شخصی آنان در ارتباط است، و بسیاری را هم ناآگاهانه انتخاب می‌کنند.

منابع الف - فارسی

۱ - آناستازی (۱۳۷۱) «روان آزمایی» ترجمه: محمد نفی براهنی. انتشارات دانشگاه تهران

۲ - اصفهانی، زهرا (۱۳۷۱) «بررسی ارزش‌ها در دو گروه دانش‌آموزان پسر عادی و تیز هوش در شهرستان شاهرود» دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کودکان استثنایی.

۳ - بیره، روزه، (۱۳۷۰) «روانشناسی اخلاقی زن و مرد». ترجمه: محمود حسین سروری. انتشارات جاززاده.

۴ - خزایی، کامیان (۱۳۷۱) «مقایسه ارزش‌های معلولان جسمی دبیرستانی با ارزش‌های افراد بهنجار» دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۵ - دبس، موریس (۱۳۶۲) «مراحل تربیت» ترجمه: علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران

۶ - شعاری نژاد، علی اکبر «روانشناسی رشد (۲)» انتشارات دانشگاه پیام نور.

۷ - شمسیان، داود (۱۳۷۱) «سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر شهر تهران» دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.

۸ - گنجی، حمزه (۱۳۷۰) «روانشناسی تفاوت‌های فردی» انتشارات بعثت.

۹ - گیلک، عبدالامیر (۱۳۷۱) «سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و والدین آنها» پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

۱۰ - محمد اسماعیل، الهه (۱۳۷۱) «بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و والدین آنها» پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

۱۱ - گوروویچ، ژورژ و هانتوری مندارس (۱۳۵۴) «مبانی جامعه‌شناسی» ترجمه: ناقه پرهام چاپخانه سپهر.

۱۲ - نقوی، سید علی محمد (۱۳۷۱) «جامعه‌شناسی» سال سوم آموزش متوسطه عمومی. وزارت آموزش و پرورش.

۱۳ - همایونفرد، فاطمه (۱۳۷۳) «مقایسه ارزش‌های دختران و پسران نوجوان شهرستان سمنان» دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش

ب - انگلیسی

1. Sato, Sturo (1973) "A study of interpersonal values in adolescentse". *Tohoka psychological folia*. VOL 32

2. Musgrave, peter W. (1984) "The moral values of some Australian adolescents : A report and discussion". *Australian, Newzealand journal of sociology*. jol VOL 20 (2).